



تاریخ ۳۰ سال کنشگری

جامعه‌شناسان، کنشگری زنان در سال‌های بعد از انقلاب را بررسی کردند

بالتر رفت و اختلافات درونی بین فعالان زن هم بیشتر شد. در انتخابات سال ۸۸، فعالان زن با مشاوران زن کاندیداهای جناح چپ ریاست‌جمهوری دیدار و مذاکره و مطالبات زنان را مطرح کردند. شعار آن‌ها هم رأی به مطالبات زنان بود. «این جامعه‌شناس معتقد است، با اعلام نتایج انتخابات و آغاز اعتراضات، دوران برخورد فرارسید: «دوران رکودی که اگر چه برای همه گروه‌ها و تشکل‌ها یکسان بود، اما جنبش زنان را بیش از دیگران در خود فرو برد و به حالت تعلیق درآورد. موج دستگیری‌ها و حکم‌ها با موج مهاجرت فعالان شناخته‌شده زنان همراه شد و این در کنار اختلافات درونی کمپین، کار را برای بازسازی جنبش زنان پس از سرکوب دشوار کرد.»

به گفته کامل، جنبش زنان در مواجهه با چالشی که حوادث پس از انتخابات ۸۸ برای جامعه مدنی، فعالان و اکتیویست‌ها ایجاد کرد، در بازتعریف اهداف، ساختارها و شیوه‌های عمل چندان موفق نبود: «به عبارت دیگر نتوانست در روزهایی قبلی خود به‌نحوی تجدیدنظر کند که انسجام جنبش حفظ شود.»

▼ دوره سوم: نیمه اول دهه ۹۰

آتنا کامل معتقد است؟، پس از خرداد ۸۸ تا سال ۹۵ اگر چه فعالیت‌های زنان کم‌وبیش ادامه پیدا کرد و به‌ویژه در دولت اول حسن روحانی باتوجه به فضای نسبتاً گشوده‌تر سیاسی، کارزارهای چندی برپا شد (کمپین «تغییر چهره مردانه مجلس»/ «کارزار منع خشونت خانوادگی») اما در مجموع این دوره شاهد افول کنشگری‌های جمعی زنانیم: «به لحاظ جنسیتی شاید ویژگی مهم این دوره آن است که به‌مدد تمام تلاش‌های صورت گرفته توسط فعالان دهه ۸۰ و سربرآوردن نسل جدید، جامعه به امور جنسیتی حساس‌تر شده، یعنی اعتراض به رفتارهای تبعیض‌آمیز جنسیتی در دانشگاه‌ها، خیابان و زندگی روزمره بیشتر شده و البته شبکه‌های اجتماعی و گروه‌های پیام‌رسان هم به پررنگ‌تر شدن گفتمان ضدتبعیض جنسیتی کمک کردند. دو کمپین مخالف حجاب اجباری یعنی آزادی‌های یواشکی و چهارشنبه‌های سفید در این دوره شکل گرفتند. هم‌زمان با تحولات داخلی ما وارد دوران تازه‌ای از سوزگی سیاسی می‌شویم که توسط جریان‌های بین‌المللی هم تقویت می‌شود: عصر شورش‌های شهری.»

از نظر او، در این دوره کنشگری زنان دو ویژگی دارد: «تاسیس گروه‌ها، انجمن‌ها و نهاد‌های پراکنده که عمدتاً نسبتی با یکدیگر و سایر گروه‌های زنان برقرار نکردند. یعنی این گروه‌های جدید یا با فعالان پیشین جنبش زنان دیگر ارتباط نداشتند، یا افراد جدیدی بودند که از ابتدا با فعالان قدیمی ارتباط نداشتند یا در فضای سرکوب امکان بقا نیافتند. دوم، فعالان بر مسائل اجتماعی زنان تمرکز کردند و فارغ از سازماندهی جمعی‌ای که هدفش تغییر و اصلاح قوانین مربوط به زنان و مشارکت بیشتر آنها باشد، به دنبال بهبود شرایط زنان در سطح خرد بودند. مثلاً برگزاری کارگاه‌هایی برای زنان خانه‌دار در مناطق حاشیه‌ای یا تلاش برای ساخت گروه‌های محلی کوچکی از زنان توانمند یا ساخت خانه‌های امن و غیره. این گروه‌ها دورنمایی از نهادسازی در آینده داشتند که محقق نشد.»

▼ دوره چهارم: نیمه دوم دهه ۹۰

آتنا کامل درباره دوره چهارم جنبش زنان معتقد است، در این دوره ما با شرایط پیچیده‌تری به لحاظ سیاسی-اقتصادی مواجهیم که می‌توان ویژگی‌های آن را این‌طور فهرست کرد: «غلبه گفتار امنیت ملی، کم‌رنگ شدن نقش دولت در ارائه خدمات عمومی و افزایش نارضایتی‌های مردمی، بی‌اثر شدن برجام و ظهور کنشگری‌های فردی یا سلب‌ریتی-اکتیویست‌ها.»

به گفته او، در شرایط امنیتی شدن فضای اجتماعی، عقب‌نشینی از سیاست رسمی، کاری بجا و هوشمندانه است: «در این دوره بخش بزرگی از کنش‌ورزی زنان به‌سمت سیاست غیررسمی سوق پیدا کرد. از تبعات غیررسمی شدن، فردی شدن کنشگری است. در این دوره فعالیت‌های پراکنده‌ای حول مخالفت با حجاب اجباری و مخالفت با منع ورود زنان به ورزشگاه‌ها شکل گرفت. با همه‌گیر شدن شبکه‌های اجتماعی، دامنه رویت‌پذیری و تاثیرپذیری کنش‌های فردی بالاتر رفت. ما با مجموعه متکثر و متنوعی از مطالبات جنسیتی مواجهیم که با شبکه سستی از گروه‌های غیررسمی یا افراد مختلف به‌طور پراکنده



عکس: تابستان

مهتاب مظاهری

خبرنگار اجتماعی

هم‌زمان با دومین سالگرد حوادث تابستان سال ۱۴۰۱، نشست در مؤسسه رحمان برگزار شد که به دنبال بررسی کنشگری زنان از دیروز تا امروز بود؛ در این برنامه که هفتمین نشست از سلسله نشست‌های جنسیت و نابرابری و مسیر معاصر بود، مسیر تاریخی جنبش زنان بررسی شد و به دنبال پیوند فعالیت‌های صورت گرفته زنان از دهه ۷۰ تاکنون بود؛ آتنا کامل، جامعه‌شناس که اولین سخنران این نشست بود، کنشگری زنان را به پنج دوره تقسیم و از مختصات هر کدام از این دوره‌ها گفت. کامل، سخنانش را با یک سوال محوری شروع و در ادامه تلاش کرد تا به آن پاسخ دهد: «کنشگری فمینیستی در ایران بعد از انقلاب دچار چه تغییرات و تحولاتی شده است؟» مهسا اسدالله نژاد، جامعه‌شناس و پژوهشگر، دیگر سخنران این نشست، به شعار «رهایی زن، رهایی جامعه است» و بازخوانی آن در مطالبات زنان ایرانی پرداخت و از بازخوانی مفهوم رهایی‌بخشی در جریان‌ات اخیر گفت. نوشین احمدی خراسانی، فعال حقوق زنان و نویسنده، یکی دیگر از سخنرانان این نشست بود که دوره‌های مختلف جنبش زنان در ایران بعد از انقلاب را بررسی کرد.

▼ اواخر دهه ۷۰ تا نیمه اول دهه ۸۰

آتنا کامل، جامعه‌شناس به‌عنوان اولین سخنران این نشست، شروع دوره اول تاریخی کنشگری فمینیستی در ایران بعد از انقلاب را از اواخر دهه ۷۰ شمسی و نیمه اول دهه ۸۰ می‌داند و اسم این دوره را می‌گذارد: از خصوصی به عمومی: «منظورم این است که در این دوره یعنی در سال‌های ۷۴ و ۷۵، جمع‌های زنانه از محافل خانگی و عرصه خصوصی خارج شد و وارد عرصه عمومی شد که بیشتر هم در انتشاراتی‌ها و باتوجه‌هایی اتفاق افتاد که مدیران زن داشتند. مثل انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.» به گفته این جامعه‌شناس، دال محوری در این دوره تغییر قوانین به نفع زنان بود: «تاکتیک‌هایی که استفاده می‌کردند، استفاده از پرونده‌هایی بود که حقوقی بودند؛ فعالان در وهله اول سراغ پرونده‌هایی رفتند که بحث کودک‌آزاری در آن مطرح بود. یکسری از پرونده‌ها مثل پرونده‌های لیلا فتیحی و آرین گلشنی خیلی پررنگ شد که به‌واسطه آنها، فعالان زن و وکلای مستقل توانستند بحث نابرابری بین زن و مرد و حضانت فرزند از سمت مادر را مطرح کنند. بعد سراغ پرونده‌های حقوقی زنان مثل قتل‌های عنکبوتی در مشهد و پرونده افسانه نوروزی، کبری رحمانپور و عاطفه رجی رفتند؛ یعنی

به‌واسطه پیگیری این پرونده‌ها توانستند یکسری مباحث را در عرصه جنسیتی بالا بیاورند و خودشان را به‌عنوان گروهی که وارد جامعه مدنی شدند، به سایر گروه‌ها بشناسانند. در این دوره رابطه حسنه‌ای با دولت اصلاحات وجود داشت و فعالان زن مذاکرات مؤثری با زنان اصلاح‌طلبی که داخل حاکمیت بودند، داشتند که دستاوردهایی هم به دنبال خود داشت. مثل اینکه از لحاظ محفلی خارج و وارد عرصه عمومی شدند و توانستند اولین مراسم هشت مارس بعد از انقلاب را در سال ۷۸ برگزار کنند. کارگاه‌ها و نشست‌هایی را حول مبحث خشونت علیه زنان سازماندهی کردند و در این دوره، آغاز تجمع‌های مجوزدار رقم خورد.» او می‌گوید در سال ۸۴ محمود احمدی‌نژاد پیروز میدان شد و از آن سال بحث تجمع و خیابان به‌طور جدی‌تری وارد تاکتیک‌های فعالان زن شد: «اما دیگر به آنها مجوزی داده نشد و فعالان به‌سمت برگزاری تجمعات بدون مجوز رفتند. نمونه‌های آن تجمع بدون مجوز ۲۲ خرداد سال ۸۴ مقابل دانشگاه تهران بود که در اعتراض به بحث قوانین تبعیض‌آمیز و نابرابر شکل گرفت.»

▼ دوره دوم: نیمه دوم دهه ۸۰

دوره دوم جنبش زنان به گفته آتنا کامل، نیمه دوم دهه ۸۰ شمسی است که بهار جنبش زنان به آن اطلاق می‌شود و کمپین یک‌میلیون امضاء هم در این دوره شروع شد: «این دوره به‌لحاظ سیاسی بسته‌تر شد و دولت احمدی‌نژاد بر سر کار بود، اما هنوز می‌شد کارهایی کرد. تجمع ۲۲ خرداد ۸۵، لحظه تاریخی مهمی در جنبش زنان بود؛ به‌واسطه اینکه کم‌کم فعالان زن داشتند متوجه می‌شدند که با شرایط جدیدی سروکار دارند. یعنی در تجمع میدان هفتم‌تیر فقط با زنان بر خورد نشد، دستگیری گسترده‌ای اتفاق افتاد. ۷۰ نفر بازداشت شدند و ۱۱ نفر حکم خوردند. کمپین یک‌میلیون امضاء پاسخی به این شرایط بود؛ این‌بار نه از خلال ارتباط مؤثر و مذاکره با نخبگان سیاسی که از طریق ساخت یک بدنه مردمی. این کمپین به‌دنبال این بود که یک‌میلیون امضاء به‌صورت چهره‌به‌چهره از شهروندان به دست بیاورد و آنها را به نهاد قانون‌گذاری برای تغییر قوانین تبعیض‌آمیز ارجاع دهد.» او می‌گوید: «جنبش زنان با بسته شدن فضای سیاسی، اولین گام‌هایش را به سوی کنشگری سیال‌تر و غیررسمی‌تر برداشت. کمپین، شبکه‌ای یا مرکزیت‌های مختلف و غیرثابت بود که مکان مشخصی نداشت اما در تلاش بود تا با افراد و گروه‌های مختلف شبکه‌سازی کند. تا سال ۸۸ اوضاع به همین منوال پیش می‌رفت و فشارها بر فعالان زن